

بودجه دولت برای سال ۱۳۸۵ یا تقسیم غنائم بین حامیان احمدی نژاد

محمود بهنام

کرده بود، در این بودجه مشاهده نمی‌شود، تأثیرات منفی آن در مورد تشدید تورم قیمت‌ها طی سال آینده غیر قابل تردید است. نخستین عارضه افزایش شدید بودجه جاری، و یا جاری کردن بی حساب و کتاب درآمدهای نفتی در اقتصاد که علاوه بر اختلالات ساختاری به دلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم نیز با نابسامانی‌های مضاعفی رو به رو گشته است، تورم شدید قیمت‌هاست که بار آن هم، بیش و پیش از همه، بر دوش مزد و حقوق بگیران و دیگر اقشار کم درآمد و محروم سنگینی می‌کند. برخلاف اظهارات رئیس «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» که مدعی شده است دولت احمدی نژاد از طریق این بودجه در صدد «عملیاتی کردن عدالت» در جامعه است، تورم زایی شدید این بودجه، صرفنظر از هر مسئله دیگر، نشانه بارزی از بی‌عدالتی در حق زحمتکشان و محرومان است.

اما بی‌عدالتی، تبعیض و خاصه خرجی‌های این بودجه، تنها در گرانی یا تورم قیمت‌ها (که در واقع مالیاتی است که بر مزد و حقوق بگیران و بازنشستگان تحمیل می‌گردد) خلاصه نمی‌شود. بررسی ترکیب و اقلام هزینه‌های جاری مندرج درجه اول و تبصره‌های گوناگون این لایحه، به روشنی بیانگر این است که تنظیم این بودجه، در واقع، تقسیم «غنائم» میان جریان‌ها و جناح‌ها و نهادهای «برنده» انتخابات ریاست جمهوری است.

علاوه بر افزایش شدیدی که در بودجه رسمی و علنی «نیروهای مسلح» و خصوصاً سپاه پاسداران رژیم، برای سال آینده در نظر گرفته شده (و جدا از بودجه‌های محرمانه مربوط بدان‌ها که طبعاً در لایحه بودجه انعکاس نمی‌یابد) تحت عناوین و اقلام دیگر هم (مثل تبصره ۱۷ ماده واحده که یک قلم بیش از ۹ هزار میلیارد ریال اختصاص داده است) بودجه‌های «ویژه» ای برای آنها منظور شده است. مطابق تبصره ۹، «نیروهای مقاومت بسیج و رده‌های تابعه» آن به عنوان مجری «طرح‌های عمرانی» به حساب آمده است. یعنی علاوه بر دریافت بودجه جاری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، این نهاد می‌تواند سهمی هم از بودجه «عمرانی» به چنگ آورد. تبصره ۱۶، بودجه‌ای حداقل معادل یک میلیارد ریال برای «بسیج خواران» اختصاص داده است.

بودجه اختصاصی شورای نگهبان هم، که طی سال‌های اخیر شدیداً بالا رفته و در سال جاری به حدود ۱۵۶ میلیارد ریال رسیده بود، در سال آینده به بیش از ۱۸۴ میلیارد ریال بالغ می‌شود. بودجه‌های مربوط به دیگر ارگان‌های سیاسی و مذهبی، مانند

انتشار «اوراق مشارکت»، عقد قراردادهای «بیع متقابل»، و یا «فاینانس» (خرید نسبی از خارج) و غیره فراهم می‌شود.

از لحاظ ترکیب کلی هزینه‌ها، یعنی تقسیم منابع بین هزینه‌های «جاری» و هزینه‌های «عمرانی»، نیز، این بودجه روال سال‌های پیشین را پی می‌گیرد. چنان که از کل بودجه عمومی، حدود ۳۸ هزار میلیارد تومان مستقیماً به هزینه‌های جاری و حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان هم به مخارج عمرانی اختصاص یافته است. ضمن آن که، طبق تجربه عملکرد گذشته، بخش مهمی از هزینه‌های دولتی زیر عنوان «عمرانی» هم، در واقع، ماهیت جاری و مصرفی دارد. اما در میان اقلام هزینه‌های جاری هم، بیشترین سهم از آن ارگان‌های نظامی، امنیتی و انتظامی رژیم است. به طوری که مثلاً بودجه‌ای که زیر عنوان «وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» در جداول پیوست لایحه آمده بیش از ده برابر بودجه‌ای است که برای «وزارت آموزش و پرورش» در نظر گرفته شده است. سیاست خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی نیز که از سال‌ها پیش، با افت و خیزهایی، تداوم داشته است در این لایحه نیز دنبال می‌شود. تبصره‌های متعدد «ماده واحده» لایحه بودجه، و از جمله تبصره‌های ۸ و ۱۹ آن، ناظر بر ادامه فروش و واگذاری بخشی دیگر از مؤسسات دولتی است. درآمدهای حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی حدود ۱۶ هزار میلیارد ریال و درآمدهای مربوط به فروش اموال منقول و غیرمنقول دولتی بیش از ۲ هزار میلیارد ریال در سال آینده پیش‌بینی شده است.

ترتیبات گوناگونی هم در این لایحه (تبصره‌های ۲، ۴، ۶) جهت «حمایت» و «کمک» به بخش خصوصی گنجانده شده است. اختصاص ۸ میلیارد دلار از موجودی «حساب ذخیره ارزی» به بخش خصوصی، اعطای وام با بهره ارزان، ارائه برخی تسهیلات «بلاعوض» و پرداخت یارانه، از جمله این حمایت‌هاست.

افزایش مالیات‌ها و عوارض و همچنین بهای برخی کالاها و خدمات عمومی نیز از ویژگی‌های متداول بودجه‌های سالانه است که در لایحه پیشنهادی دولت احمدی نژاد هم بازتاب دارد. طبق این لایحه، بهای گاز مصرفی خانوارها، عوارض خودرو، عوارض گذرنامه و خروج از کشور و ... در سال آینده افزایش خواهد یافت.

در حالی که، در واقع، هیچ تدبیر و طرح مشخصی برای مقابله با معضل بیکاری، غیر از تکرار آن طرح‌های غالباً بی‌ثمری که دولت قبلی مطرح

نخستین لایحه بودجه دولت احمدی نژاد، اواخر ماه گذشته، به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. این بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده، هم اکنون در مجلس رژیم تحت بررسی است. همان طور که هنگام رسیدگی به کابینه پیشنهادی رئیس جدید جمهوری، و به ویژه بحث و جدل در مورد تصدی وزارت نفت، در ماه‌های گذشته مشاهده شد، بررسی لایحه بودجه ۱۳۸۵ در این مجلس نیز، که اکثریت آن را هم طرفداران دولت ائتلافی احمدی نژاد تشکیل می‌دهند، مسلماً فارغ از مجادله و کشمکش نخواهد بود. در هر حال، لایحه پیشنهادی دولت، مواضع و مقاصد خود آن را، در این زمینه، به صورت مشخص تری عرضه می‌دارد.

بودجه کل کشور پیش‌بینی شده برای سال آینده متجاوز از ۱۹۵ هزار میلیارد تومان است. بیش از دو سوم آن را بودجه بانک‌ها، شرکت‌ها و دیگر مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت تشکیل می‌دهد که در اینجا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. خود بودجه دستگاه‌های دولتی که، اصطلاحاً، «بودجه عمومی» دولت نامیده می‌شود، بالغ بر ۶۳ هزار میلیارد تومان است.

ساختار و ترکیب کلی بودجه پیشنهادی، برخلاف ادعاهای مسئولان دولتی، هیچ تفاوت چشمگیری با بودجه سال‌های پیشین ندارد. قبل از هر چیز، بند ناف این بودجه هم کماکان به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام بسته است: حدود نیمی از منابع بودجه عمومی دولت، یعنی نزدیک به ۳۲ هزار میلیارد تومان آن از محل صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی تأمین می‌شود. نصف همین مبلغ، به طور مستقیم، از طریق فروش نفت حاصل می‌شود و نصف دیگر آن هم، به طور غیرمستقیم، با برداشت از «حساب ذخیره ارزی» فراهم می‌گردد. در همین حال، باید خاطر نشان کرد که این حجم درآمد نفتی سالانه (که با احتساب هر دلار معادل ۹۰۰ تومان، برابر با حدود ۳۵ میلیارد دلار می‌شود) رقمی کاملاً بی‌سابقه است که از شرایط کنونی بازار جهانی و افزایش سریع بهای نفت در دوره اخیر، سرچشمه می‌گیرد. بهای هر بشکه نفت در برآورد درآمدهای سال آتی هم نزدیک به ۴۰ دلار منظور شده است.

حجم کل درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۱۳۸۵، حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. بعد از نفت و مالیات، باقی‌مانده منابع بودجه عمومی از راه واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، فروش ارز، فروش کالاها و خدمات دولتی، استقراض از داخل و خارج، یعنی

«سازمان تبلیغات اسلامی»، «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، «مرکز خدمات حوزه‌های علمیه»، «مرکز خدمات حوزه علمیه قم»، «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم»... نیز افزایش قابل توجهی یافته است. بودجه «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی» با حداقل ۴۰ درصد افزایش به ۳۲۶۵ میلیارد ریال بالغ گشته است.

گذشته از بودجه رسمی «نهاد ریاست جمهوری» که بیش از ۲۷۰۰ میلیارد ریال را در بر گرفته است، تبصره‌های مختلف این لایحه هم (از جمله تبصره‌های ۲ و ۶ و ۱۸) اعتبارات «ویژه» ای در اختیار رئیس جمهوری می‌گذارد که از کمک به «اشتغال» فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تا طرح‌های «خنثی کردن توطئه‌های آمریکا» را شامل می‌شود. قابل توجه است که احمدی نژاد که در زور آزمایی آشکار با دستجات درون مجلس نتوانست «آدم» مورد نظرش را به وزارت نفت بگمارد، طبق مقرراتی که در تبصره ۱۱ لایحه بودجه تعبیه کرده، کوشیده است که کنترل اختصاصی ریاست جمهوری بر شرکت‌ها و مؤسسات تابعه آن وزارتخانه و، در نهایت، تسلط

افزون‌تر بر چگونگی دخل و خرج درآمدهای نفتی را فراهم کند.

«کمیته امداد امام خمینی» هم از جمله نهادهای حکومتی است که در این لایحه بودجه نیز از توجه خاصی برخوردار شده است. این «کمیته» تحت مدیریت و کنترل گردانندگان «جمعیت مؤتلفه اسلامی» است که با بهره‌گیری از اعتبارات وسیع دولتی و غیر دولتی، عملاً کار «صدقه دهی و گداپرووری» و بسیج افراد برای شرکت در تظاهرات فرمایشی و حضور در پای صندوق‌های رأی‌گیری به شکل هدایت شده را به انجام می‌رساند. از اختصاص بودجه برای «ایجاد فرصت‌های شغلی» گرفته تا توزیع «یارانه» در بین خانواده‌های کم‌درآمد، سهم و نقش غالب نصیب «کمیته امداد» می‌شود. چنان که وقتی وزارت «رفاه و تأمین اجتماعی» هم (طبق تبصره ۱۵) مکلف می‌شود که «افتشار محروم و مستضعف» را که تحت پوشش هیچ گونه بیمه درمانی نیستند، تحت درمان قرار دهد، تشخیص این امر هم به «کمیته امداد امام خمینی» واگذار می‌شود، در صورتی که بسیاری از خانوارهای محروم و نیازمند، اساساً از این گونه ارگان‌های حکومتی بیزار و رویگردان هستند. بر

اساس تبصره ۱۰ لایحه، «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» موظف شده است که ۲۰ میلیارد ریال از بودجه خود را برای «اردوگاه‌های اقامتی» و بازدید از مناطق جنگزده در جنوب و غرب کشور و برای راه‌اندازی «اردوهای راهیان نور» با هماهنگی «نیروهای مقاومت بسیج» هزینه کند. علاوه بر بودجه‌هایی که این «سازمان» و نهادهای دیگر باید در مورد «احداث موزه و یادمان‌های دفاع مقدس» خرج کنند، تبصره ۱۶ مقرر می‌دارد که «دستگاه‌های اجرایی... می‌توانند به منظور تعظیم و تکریم ایثارگران و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت از اعتبارات خود هزینه نمایند». بدین ترتیب، نه تنها ترویج «ایثار و شهادت» با استفاده از هرگونه اعتبارات دولتی، باری دیگر رواج تازه‌ای می‌یابد بلکه از این طریق هم فرصت‌ها و دستاویزهای تازه‌ای برای هرگونه سوءاستفاده، دزدی و حیف و میل منابع و امکانات عمومی فراهم می‌گردد.

لایحه بودجه دولت نیز، به نوبه خود، معرف پایگاه، جایگاه و نیات واقعی این دولت است که با نیازها و خواست‌های اکثریت وسیع مردم این جامعه کاملاً بیگانه است.

بقیه از صفحه ۲

جمهوری اسلامی و بن بست.....

جوانان کشور را به دلیل یادداشت‌های روزانه شان در اینترنت بازداشت و شکنجه و محکوم به سال‌ها زندان می‌کند، کارگران کشور را بخاطر استفاده از حق تشکیل سندیکا و دفاع از حقوق صنفی شان گروه‌گروه به زندان می‌فرستد، گرسنگان را با سلاح سرکوب از حق خواست نان محروم کند، میلیاردها دلار ثروت ملی را در چاه ویل طرح‌های مشکوک بریزد و دم از دفاع از «حق ملی» بزند و چند شعار مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا هم چاشنی آن کند و به بهانه دشمن خارجی، اوباش خود را روانه خیابان نموده، دستور سرکوب زنان، دانشجویان و کارگران را صادر کند و هر از گاهی هم برای دست‌گرمی سوزاندن پرچم یک کشوری را در خیابان‌های تهران صادر کند و با شعارهایی از قبیل آزادی قدس، فلسطینی تراز فلسطینی‌ها شود.

ادامه این کشمکش با جهان قطعاً به شکست دیگری در حیات جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. همانطور که یک سواری خمینی بر مرکب «برکت» جنگ هم دوام ابدی نداشت، رجز خوانی دن کیشوت‌های امروز حکومت هم دوام چندانی نخواهد یافت. تاسف بار آن است که درست به همان گونه که بهای سنگین مصیبت جنگ را مردم ایران پرداختند، چه از طریق کشته شدن فرزندان‌شان در جبهه‌های این جنگ شوم و یا بوسیله ویرانی‌ها و بمباران و خرابی‌های حاصل از آن، و چه در زندان‌ها و در سرداب‌های مرگ حکومت ترور و سرکوب به بهانه جنگ. این بار نیز تاوان «غنی‌سازی» حکومت را مردمی باید پردازند که به نان شب خود

محتاج اند و از حق خواستن یک لقمه نان نیز محروم اند، اما قربانیان اصلی ماجراجویی‌های حکومت خودکامه جمهوری اسلامی هستند.

از اینرو باید قبل از آن که دیر شود، چاره‌ای اندیشید. ما بر این باوریم که می‌بایست با تمام قوا از حق تصمیم‌گیری آزادانه مردم در مورد سرنوشت کشور دفاع نمود. با اعتراض به سیاست‌های تنش‌آفرین جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی راه ادامه این سیاست‌ها را بست. جمهوری اسلامی را وادار به پذیرش درخواست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گردن نهادن به مقوله نامه‌های بین‌المللی نمود. نیروهای دمکرات و آزادیخواه باید یک صدا برای پایان دادن به سیاست دشمنی با دیگر ملل که به نام مردم ایران صورت می‌گیرد، و برای برقراری مناسبات دوستانه با تمامی ملل و رابطه دیپلماتیک عادی با تمام کشورهای جهان از جمله ایالات متحده آمریکا و برسمیت شناختن حق موجودیت کشور اسرائیل، مبارزه کنند و از این طریق صف خود را از حکومتی که هم چنان با شعار روزانه مرگ بر این یا آن کشور و دامن زدن به تبعیضات، فضای جامعه را تیره و تار می‌کند، در عمل جدا نمایند.

از طرف دیگر باید با حضور در مجامع بین‌المللی روشن ساخت که مشکل بزرگ کشور ما نه برنامه‌های و خواب و خیال‌های اتمی جمهوری اسلامی، خود این حکومت و نقض هر روزه حقوق مردم در تمامی عرصه‌ها از حق پوشش تا حق اعتراض و تشکل و سرکوب همه آزادی‌ها و دیگر حقوق مصرح در منشور جهانی حقوق بشر است. مردم کشور ما اکنون بیست و هفت سال است که در زیر سلطه این حکومت قرون وسطایی رنج می‌برند و برنامه اتمی جمهوری اسلامی و کشمکش بر سر آن

نباید به وسیله‌ای برای تحمیل محرومیت‌های بیشتر بر این مردم تبدیل شود. جمهوری اسلامی قبل از همه باید بخاطر نقض حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران در تمامی زمینه‌ها پاسخگو باشد و تأکید یک جانبه بر برنامه اتمی آن، نباید منجر به این شود که جامعه بین‌المللی جنایات رژیم علیه مردم ایران در زمینه نقض حقوق بشر و لغو حقوق و آزادی‌های اولیه مردم را نادیده بگیرد و در مقابل آن سکوت کند. جامعه جهانی تا کنون در قبال نقض آشکار حقوق بشر و سرکوب و ترور در داخل و خارج از کشور توسط جمهوری اسلامی اقدام شایسته‌ای برای زیر فشار قرار دادن حکومت ایران انجام نداده است.

تهدید واقعی برای صلح جهانی نه الزاماً فن آوری اتمی - که هم اکنون نیز چند کشور در همسایگی ایران از آن برخوردارند - بلکه خود جمهوری اسلامی است. رفع این خطر نه از طریق تحریم اقتصادی یا حمله نظامی بلکه فقط و فقط از طریق تقویت و پیروزی مبارزات دمکراتیک مردم ایران و جایگزینی حکومت اسلامی با یک دولت منتخب مردم و پاسخگو به مردم ایران امکانپذیر است. جامعه بین‌المللی باید به این واقعیت توجه کند که از سوئی تنها به ثمر رسیدن مبارزات جاری مردم ایران علیه این حکومت و برای کسب حقوق از دست رفته خود و موفقیت جنبش دمکراسی در درون ایران است که می‌تواند بر بحران بزرگی که علت العلل آن حکومت جمهوری اسلامی است، برای همیشه پایان دهد و از سوی دیگر امروز خاورمیانه به انبار باروتی از سلاح‌های اتمی تبدیل شده است که بدون خلع سلاح اتمی کشورهای این منطقه، جهان روی صلح و آرامش را به خود نخواهد دید.